

شناخت فلسفه سیاسی ابن سینا با استفاده از دیدگاه توماس اسپریگنر (با تأکید و تلخیص کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی نوشه ابوالفضل شکوری)

مصطفی علی اکبریان هاووشکی^۱

^۱ دانشجوی دکتری مسائل ایران، گروه علوم سیاسی، دانشگاه ازاد اسلامی، واحد شهرضا، ایران

نویسنده مسئول:

مصطفی علی اکبریان هاووشکی

چکیده

اندیشه سیاسی در ایران یکی از مواردی است که درباره‌ی نحوه پیدایش و تکوین آن کتاب‌ها و مقالات علمی زیادی نوشته شده است. در این نوشه‌ها روند تکوین آن را به طیف‌های مختلفی تقسیم کرده اند. گروهی مانند دکتر محمد ناصر تقوی آن را رو به سوی پیشرفت دانسته اند. و گروهی مانند دکتر جواد طباطبایی را رو به عقب ارزیابی کرده اند. اما بی‌تر دید ابن سینا یکی از ارکان اصلی پیدایش و تکوین اندیشه سیاسی در ایران است. این پژوهش قصد دارد تا به واکاوی اندیشه سیاسی ابن سینا با استفاده از دیدگاه توماس اسپریگنر پردازد و در این راستا این سوال را مطرح می‌کند که: «جایگاه حکومت داری و سیاستمداری در اندیشه ابن سینا کجاست؟» بیشتر بخش‌های مقاله حاضر برگرفته شده از کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی نوشه ابوالفضل شکوری است که این کتاب به نوبه خود در مورد فلسفه سیاسی این یستا یکی از بهترین کتاب‌های موجود است.

کلمات کلیدی: اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی، سیاست مدینه، ابن سینا.

مقدمه

اندیشه سیاسی در ایران یکی از مواردی است که درباره‌ی نحوه پیدایش و تکوین آن کتاب‌ها و مقالات علمی زیادی نوشته شده است. در این نوشه‌ها روند تکوین آن را به طیف‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. گروهی آن را رو به سوی پیشرفت دانسته‌اند و گروهی آن را رو به عقب گرد ارزیابی کرده‌اند. اما بی‌تردید این سینا یکی از ارکان اصلی پیدایش و تکوین اندیشه سیاسی در ایران است. وی حکیمی است که در رشته‌های گوناگون در شرق و غرب حتی بعد از بیش از هزار سال پس از وفاتش زبان زد خواص و عام است. درباره‌ی نحوی زندگی و اثار وی کتاب‌ها و فیلم‌های متعددی وجود دارد اما متسفانه درباره اندیشه سیاسی وی و کتب وی در این مورد کار زیادی نشده است. که این موضوع یاعث می‌شود تا شناخت اندیشه سیاسی وی کاری بسیار مشکل شود. این پژوهش سعی دارد تا با نظریه تامس اسپریگنز تا حدودی به کنه اندیشه سیاسی و شیوه حکومت از دیدگاه این سینا آشنا شود. این مقاله با تأکید بر کتاب فلسفه سیاسی این سینا نوسته آقای ابوالفضل شکوری قصد دارد این سوال را مطرح کند که: «جایگاه حکومت داری و سیاستمداری در اندیشه این سینا کجاست؟» کمبود منابع موثق یکی از محدودیت‌های اساسی این نوع تحقیقات است. این پژوهش دارای پنج فصل می‌باشد: در فصل اول درباره کلیات تحقیق مطالبی آمده است. در فصل دوم: زمانه و زندگی نامه این سینا بررسی شده است. در فصل سوم با مبانی فلسفی سیاسی این سینا آشنا می‌شویم. در فصل چهارم و پنجم با نظرات شیخ الرئیس در باب سیاست مدن آشنا می‌شویم و در آخر این مقاله بر اساس دیدگاه توماس اسپریگنز جمع‌بندی می‌شود.

پیشینه تحقیق

گروهی از افراد این سینا را حکیمی بزرگ می‌پنداشتند، از این گروه می‌توان به آقای ابوالفضل شکوری اشاره کرد. وی در رساله‌ی دکترا و همچنین کتاب خود با عنوان فلسفه سیاسی این سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی، وی را دانشمند و حکیمی می‌داند که تفکراتش تاثیرات زیادی بر فلسفه اسلامی دوران بعد از وی گذاشته است. از جمله این فلسفه‌دان می‌توان ملاصدرا، سهروردی، این طفیل، این رشد، خواجه نظام الملک طوسی و ... نام می‌برد. وی در این کتاب می‌نویسد که حتی می‌توان رگه‌های از اندیشه سیاسی این سینا را در تفکرات رنه دکارت هم ملاحظه کرد. در مقابل آنان، گروهی دیگر وی را یک فرد عادی و حتی متنقلب و متقلب می‌دانند. از این جمله می‌توان به سید جواد طباطبایی اشاره کرد. وی در دو کتاب خود با عنوانین زوال اندیشه سیاسی در ایران و درآمدی فلسفه بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران این سینا را از بنیانگذاران زوال اندیشه سیاسی در ایران در می‌داند وی را کمی بردار از فلاسفه یونانی می‌داند. گروهی دیگر از نویسنده‌گان به شرح حال زندگی این سینا بسته کرده‌اند و وارد بحث اندیشه سیاسی نشده‌اند. از این جمله می‌توان به نوشه‌های آقای حاتم قادری در کتاب اندیشه سیاسی در اسلام و ایران اشاره کرد.

چهار چوب نظری

تمامس اسپریگنز در کتاب فهم اندیشه سیاسی، می‌نویسد فهم و شناخت اندیشه سیاسی و نظریه سیاسی یک فرد چهار مرحله دارد:

- ۱- احساس درد یا بحران: تا بحران نباشد نظریه نیست زیرا بحران انسان را به تفکر برمی‌انگیزاند.
- ۲- ریشه یابی مشکل: در این مرحله با ریشه‌های زیربنایی بحران از دیدگاه فرد آشنا می‌شویم. اگر ریشه را درست تشخیص ندهیم در راه حل دچار مشکلاتی می‌شویم
- ۳- راه حل: در این مرحله راه حل‌ها ارائه می‌شود ولی اسپریگنز می‌گوید افراد در لفافه حرف می‌زنند و باید منظور آنها را کشف کرد.
- ۴- آرمان: هر کسی که راه حل ارائه می‌دهد یک آرمان دارد که بر اساس آن نظر و راه حل می‌دهد. وی می‌گوید اگر این چهار مرحله به درستی انجام شود منطق درونی یک نظریه اشکار می‌شود. لذا این پژوهش بر آنست تا بر این اساس منطق درونی اندیشه سیاسی این سینا را بر اساس کتاب فلسفه سیاسی این سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی بررسی کند.

زمانه و دروان ابن سینا

زمانه‌ای که ابن سینا در آن می‌زیسته ملغمه‌ای از شرایط سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی خاص حکومت اسلامی آن زمان بوده است که در زیر به سه بخش اصلی آن که عبارت بودند از: چندپارگی سیاسی خلفا و سلاطین، چندپارگی مذهبی اسماعیلیان و سنیان و تکریم نوابق، اشاره می‌شود.

چندپارگی سیاسی خلفا و سلاطین

در زمان زندگی وی تضاد بین حکومت الهی و ریاست دنیوی شکاف زیادی داشت. خلیفه و سلاطین بر سر قدرت مبارزه می‌کردند ولی عملاً قدرت سلاطین بیشتر بود، حتی زمانی ال بویه خلیفه را عزل و نسب می‌کردند(شکوری، ۱۳۸۴، ۲۹). لذا خلیفه قدرت سلاطینی که بر حسب غلبه^۱، استیلاء یا شیوه ای دیگر که قدرت رسیده بودند را تایید می‌کرد و از آنان برای حفاظت از مزهای حکومت اسلامی استفاده می‌کرد^۲ و در عوض سلاطین با ضرب سکه و ختبه خواندن به نام وی به خلیفه اظهار وفاداری می‌کردند(شکوری، ۱۳۸۴، ۲۷). لذا در دوره‌ی این سینا شاهد رفت و آمدن سلاطین زیادی هستیم که این خود مایه نامنی و سخت شدن روزگار بر مردم آن دوران بود. لهذا می‌توان گفت در آن دوره خلیفه به دنبال سعادت اخروی مردم و سلاطین به دنبال سعادت دنیوی مردم بودند ولی عملاً بر عکس آن عمل می‌شد.

از حکومت‌های دنیوی مهم آن دوران می‌توان به قلمرو سامانیان در بخش‌های شمال و غرب خورasan بزرگ^۳ اشاره کرد که بعدها غزنویان که در بخش‌های شرقی خورasan بزرگ حکومت داشتند قلمرو آنان را تصرف کردند و حاکم کامل خورasan بزرگ شدند. زیاریان نیز بر گرگان و اطراف دریای خزر تسلط داشتند. دیلمیان بر بخش‌های مرکزی ایران مانند همدان و اصفهان و ... تسلط داشتند(شکوری، ۱۳۸۴، ۵۰-۶۸).

چندپارگی مذهبی اسماعیلیان و سنیان

به لحاظ مذهبی و گروه‌های مذهبی که به دنبال تصاحب قدرت بودند سه گروه عمده وجود داشت که در جهان اسلام آن روز به فعالیت عمده می‌پرداختند و از غرب به شرق جهان اسلام عبارت بودند از:

۱- خلفای اموی در اندلوس^۴: این گروه به دنبال بار پس گیری خلافتشان بودند که عباسیان از آنها گرفته بودند ولی وقت

آنها عملاً صرف مهار حملات اروپایان برای بازپس گیری اندلوس می‌شد و در جنوب هم زد و خورد هایی با اسماعیلیان داشتند و عملاً تاثیری بر خلافت عباسیان نداشت.

۲- اسماعیلیان: آنان موفق شدند تا در مصر بزرگ^۵ حکومت محلی تسکیل دهند. سپس داعیان^۶ خود را به سراسر جهان

فرستادند. گروهی از این داعیان به دولت سامانی آمدند و مردم زیادی از جمله نصر حاکم سامانی معاصر با سنین ۱۸-

۲۰ سالگی این سینا را اسماعیلی کردند. این امر موجب شد که ولیعهد نوح بن نصر کودتا کند و با نام خلیفه به قدرت

برسد. وی پدرش و کلیه افرادی که اسماعیلی شده بودند را در یک قتل و عام وسیع نابود کند(شکوری، ۱۳۸۴، ۴۰-۴۱).

۳- خلفای عباسی: اینان در قدرت اصیلشان در شرق جهان اسلام بود که از شبه جریره عربستان تا چین را در بر می‌گرفت. آنان عملاً قدرتی در این مناطق نداشتند زیرا سالیان سال جنگ با حکم محلی آنها را عاری از قدرت کرده بود

ولی چنانچه اشاره شد انان از قدرت‌های محلی برای نابود کردن دشمنانشان استفاده می‌کردند(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲).

^۱ به قدرت رسیدن با خون ریزی زیاد.

^۲ زیرا خلیفه توان نظامی کافی برای مخالفت یا حذف آنها را نداشت.

^۳ خورasan بزرگ در نفوذه امروزی جهان شامل: افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و محدوده‌ی به استان خراسان ایران و بخش‌هایی از استان‌های کرمان و یزد است.

^۴ اسپانیای امروزی و بخش‌هایی از فرانسه و پرتغال.

^۵ اکنون شامل: مصر، سودان جموب، سودان و لیبی.

^۶ دعوت کنندگان.

تکریم نوابق

اما در این زمان که در نوبه خود زلزله سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام بود، سلاطین مختلف در دربارهایشان از شعراء، فیلسوفان، ریاضی دانان، منجمان و ... که در زمانه و کشور خود زبان زد بودند تکریم می کردند. این عمل فرصت زیادی برای دانشمندان برای شکوفا شدن فراهم می کرد. انتگریه حکام محلی از این عمل را می توان به دو صورت زیر تصور کرد:

۱- علم دوستی: حکام سامانی و دیلمی علاقه زیادی به علم اندوزی داشتند در در قلمرو آنان کتابخانه های پر باری بود. برای نمونه وقتی ابن سینا یکی از حکام سامانی را درمان کرد اجاره یافت تا به کتابخانه سلطنتی برود و در آنجا کتاب هایی دید که به عمرش ندیده بود. یا شیخ در اصفهان در خدمت حکام دیلمی اجازه یافت تا کتابخانه خودش را تاسیس کند.

۲- فخر فروشی به حکام دیگر: سلاطینی مانند سلطان محمود غزنوی برای فخر فروشی به حکام دیگر علمای زیادی را در غزنه جمع کرده بود و می خواست ابن سینا را هم با خود همراه سازد اما نتوانست ولی افرادی نظری ابو ریحان بیرونی در خدمت وی بودند.

زندگی نامه ابن سینا

دو منبع موثق راجب اتفاقات و جریان زندگی ابن سینا وجود دارد الف: زندگی نامه دست نویس وی توسط خودش که اتفاقات زندگیش را تا سن ۳۳ سالگی توضیح داده است. ب: نوشته های جزوی یکی از شاگردان وی، که از اتفاقات زندگی ابن سینا را از ۳۲ و ۳۳ سالگی تا آخر عمر استادش را در حدود ۵۷ سالگی توضیح می دهد.

ابوالی حسین بن عبدالله بن سینا ملغب به شیخ الرئیس در سال ۳۷۰ هجری قمری^۷ در افسنه در اطراف بخارا پایتخت سامانیان به دنیا آمد. نام پدر عبدالله و نام مادرش ستاره بود. پدر وی از کارگزاران مالیاتی امیر نوح بن منصور سامانی و از شیعیان اسماعیلی بود برادر شیخ (محمود ابن سینا) از داعیان اسماعیلی در بخارا بود. شیخ برادر دیگری به نام علی نیز داشت. وی قبل از رسیدن به سن بلوغ به درمان بیماران می پرداخت به گونه ای که آوازه اش به دربار سامانی هم رسیده بود و حتی امیر سامانی را هم با موفقیت درمان کرد. در ۲۲ سالگی پدرش را از دست داد و به کار دولتی مشغول شد. اما به دلیل تهدیدات سلطان محمود غزنوی به دیار گرگانچ رفت و با ابو ریحان بیرونی آشنا شد. پس از مدتی امیر گرگانچ که ارتباط سببی با محمود غزنوی داشت بر اثر فشار سلطان غزنوی ابو ریحان را به مامورین سلطان داد ولی ابن سینا عازم گرگان و دربار زیاریان شد. سپس به ری و دربار دیلمیان رفت و به مقام وزارت رسید.^۸ بعد از مرگ امیر، به زندان افتاد و رساله حی بن یقطان را نوشت. سپس راهی اصفهان شد و به کارهای علمی پرداخت. در یک سفر جنگی با علاء دوله حاکم اصفهان به همدان رفت و در جمعه روز اول رمضان سال ۴۲۸ هجری قمری درگذشت (شکوری، ۱۳۸۴، ۶۳-۷۲).

آشنایی با مفاهیم اساسی در اندیشه سیاسی ابن سینا

هر نظام فکری کلید واژه هایی خاص خود دارد که با شناخت آنها می توان کل نظام را شناخت. در اینجا برخی از کلید واژه های فلسفه سیاسی اندیشه سیاسی ابن سینا را مورد واکاوی قرار می کنیم:

اجتماع سیاسی(مدینه): اجتماع سیاسی عبارت است از: مجموعه ای از انسان ها که در ریز لوای یک حکومت با هم زندگی می کنند (کالوم، ۱۳۸۳، ۷۳). فلسفه سیاسی و فرقش با دانش سیاسی: در تعریف فلسفه سیاسی باید گفت که فلسفه سیاسی عبارت است از: تاملی فلسفی در این خصوص که چگونه می توان به بهترین شیوه، حیات جمعی، یعنی نهادهای سیاسی در رسم اجتماعی از قبیل نظام اقتصادی و الگوی زندگی خانوادگی سامان سیاسی (جامعه) خود را تنظیم کرد. فیلسوف سیاسی و دانشمند سیاسی هردو درباره اجتماع سیاسی و انسان بحث می کنند با این تفاوت که دانشمند سیاسی به واقعیت ها یعنی آنچه که هست می پردازد ولی فیلسوف سیاسی به آنچه که باید باشد. فیلسوفان سیاسی یا حافظ وضع موجودند یا خواهان تغییر آن و رسیدن به جامعه ارمانی (شکوری، ۱۳۸۴، ۱۲۶).

أنواع حکمت: فیلسوفان حکمت را به دو بعد نظری و عملی تقسیم می کنند. حکمت نظری پیدایش هستی و ماوراء الطبیعت را بررسی می کند و مراحل تکوین جهان هستی را مطالعه می کند. که خود شامل سه قسمت علم اسفل(علوم تجربی و فیزیکی)، علم اوسط(ریاضیات و موسیقی) و علم اعلی(مابعدالطبیبه و متا فیزیک) می شود. حکمت عملی شیوه اداره مدینه را بررسی می کند و شامل: اخلاق (علوم اجتماعی) تدبیر منزل (اقتصاد) و سیاست مدن (علوم سیاسی) می شود. این حکمت در مرحله اول امور فردی و اخلاقی را رفع می کند در مرحله دوم امور منزل و اقتصاد را سامان می بخشد و در مرحله سوم ما را با سیاست مدن

^۷ به قولی دیگر ۳۶۷ هجری قمری.

^۸ ولی به دلیل نحوه برخوردهای نظمیان اینها علیه وی شورش کردن و امیر دیلمی وی را از وزارت کنار گذاشت.

آشنا می کند. ابن سینا حکمت ابزاری را به انها افزود. وی حکمت ابزاری یا علم منطق را به علم سیاست مرتبط ساخت (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۱۳-۲۱۵).

ابن سینا دیدگاه های سیاسی خود را در که همان حکمت عملی باشند را در پنج قالب متفتوت بحث کرده است که عبارت اند از:

۱- در چهار چوب نظام طبقه بندی دانش ها،

۲- در چهار چوب منظومه فلسفی خود،

۳- در چهار چوب حکمت مشرقیه و اثار رمزی خود:

۴- در چهار چوب علم منطق،

۵- در قالب تک نگاری ها و رساله های منفرد.

۱- در چهار چوب نظام طبقه بندی دانش ها: فلسفه علم به عنوان ابزاری برای روشنگری و طبقه بندی دانش ها از دیر باز به عنوان سنگ زیربنکاخ بلند فلسفه و علوم و کلید ورود به اندرون این کاخ هوشمند محسوب می شده است و فیلسوفان اسلامی کوشیده اند تا اندیشه های خود را بر پایه آن چهار چوب بندی نمایند. ابن سینا از جمله کسانی است که در این وادی گام های زیادی برداشته است. وی در کتاب اقسام العلوم العقلیه برای نخستین بار تعداد دانش های عقلی و فلسفی را به ۵۳ علم رسانده است. و علوم سیاسی را از آنان می داند. وی حوزه سیاست را از حوزه خصوصی جدا می سازد و ورود دولت به آن را ممنوع می شمارد که در مقایسه با پیشینیان خود، این عمل یک نوآوری محسوب می شود (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۰۸-۲۲۳).

۲- در چهار چوب منظومه فلسفی خود: دستگاه فلسفی وی برای تاسیس مدینه عادله جهت پرورش انسان های سعادتمند سازمان دهی شده است و رسیدن به عدالت را عین رسیدن به سعادت می دارد. بنابراین دستگاه فلسفی وی به گونه ای سازمان دهی شده که به مبحث سیاست و حکمت عملی منجر می گردد (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۲۵).

۳- در چهار چوب حکمت مشرقیه و اثار رمزی خود: حکمت مشرقیه ابن سینا: از دید آقای شکوری: ابن سینا دو نوع فلسفه دارد که یکی همان ملسفه ارسطوی معرفت به مشای است و دیگری حکمت مشرقیه است. کتاب های مربوط به این فلسفه دو نوع هستند بخشی به زبان رمز و در قالب قصه اند مانند رساله های حی بن یقظان، رساله الطیر و سلامان و ابسال. و بخشی دیگر که رمزی نیستند و ادبیات معمولی دارند مانند: فصول اخر کتاب الاشارات و تنبیهات.

(شکوری، ۱۳۸۴، ۲۲۷).

۴- در چهار چوب علم منطق: مطرح ساختن مسائل سیاست در ضمن مباحث منطق موجب آن شده است که این بخش از فلسفه سیاسی وی از دسترس بسیاری از علاوه مندان به این موضوع خارج شود. تا جایی که برخی گمان برده اند که ابن سینا به جز مقاله دهم از الهیات شفا، بحث سیاسی دیگری نداشته است (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۳۰).

۵- در قالب تک نگاری ها و رساله های منفرد: غالب دیگری که شیخ برای بیان مسائل سیاسی و حکمت عملی انتخاب کرده بود رساله ها و کتب مستقل وی در این خصوص است. اگر این تک نوشه ها را کنار هم جمع کنیم، محتوای یک دیگر را به صورت یک منظومه اندیشه ای و فلسفی تکمیل می کنند (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۳۳).

تفکرات سیاسی ابن سینا (شرایط ایجاد مدینه)

برای شناخت مبانی فلسفی ابن سینا موارد زیر از ضروریات است:

۱- مبدأ نخستین: شیخ با تمسک به زنجیره علل در هستی به علت العلل و مبدأ نخستین می رسد که علت تامه همه ی پدیده های هستی است و خود معلول چیز دیگری نیست و همه عالم از او سرچشمه می گیرد و ان را واجب الوجود می نامد. او خود غیر متحرک ولی محرك نخستین است.

۲- صدور: عالم هستی و طبیعت و افلاک از وجود مطلق واجب الوجود صدور یافته اند. این پدیده ها از دو نوع هستند یا از مجرداتند (عقول و نفوس) یا از عناصر مادی. نخستین افریده عقل اول نام دارد که ممکن الوجود است و تکثر هستی و توسعه دامنه مخلوقات را بر عهده دارد. پس از آن عقل دوم است که نفس فلکی را به وجود می اورد (شکوری، ۱۳۸۴، ۲۸۴).

۳- عقل فعل: از واجب الوجود تا عقل فعل ده عقل فاصله است که به آنان عقول عاشره می گویند که تدبیر امور مربوط به زمین را همین عقل دهم یا عقل فعل به عهده دارد. نفوس بشری معلول وی هستند و به نحوی به ان مرتبط اند. عقول عاشره جسم ندارند بلکه جوهرند اما جوهر مفارق هستند.

۴- نفس ناطقه: که همان جان و روان است. ابن سینا بر انست که جهان طبیعت نیز مانند بدن انسان دارای جان و روان است که همان ملائکه یا نیروهای لطیف غیر محسوس هستند و نفوس فلکی یا کیانی نام دارند. وی مانند فلاسفه

یونان نفوس زمینی را سه بخش می داند نفس گیاهی، نفس حیوانی و نفس انسانی. و نام دیگر نفس انسانی، نفس ناطقه. نفس ناطقه از جنس جوهر است و بعد از مرگ نابود می شود و به سعادت می رسد.

۵- ابن سینا در رساله اثبات نبوت از عقل قدسی سخن می گوید و این نوع عقل از ابداعات وی است. و اتصال نفس ناطقه به واجب الوجوب بدون واسطه گری عقل فعال را وحی می نامد.

ابن سینا کلمه سیاست را به معنی «بررسی ریاست ها و اجتماعات مدنی چه فاضله و چه ردیه می داند. و علم سیاست را معرف چگونگی پیدایش و تکوین هر یک از جماعت بشري و بیان علت زوال و دلیل انتقال آنها می داند(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۳). در این راستا وی عوامل اجتماعی، وجود قانون و اقتصادی را در شکل گیری مدینه^۹ مهم می داند که در زیر به آنها اشاره می شود.

عامل اجتماعی: این سینا در هیچ یک از اثار خود به مدنی بالطبع بودن انسان اشاره ندارد و اجتماع و تمدن را ناشی از نیاز افراد به همديگر می داند. و در کتاب اشارات و تنبیهات می نویسد: «از آنجا که انسان بدون مشارکت دیگر افراد جنس خود به تنهاي توانا بر انجام امور خود نیست و بدون عرضه متقابل حاصل کار خود و معاوضه آن در میان آنان، مشکلات بر تک تک آنان انبوه می شود.» لذا به تاسیس مدینه اقدام می کند. وی بر تقسیم کار در جوامع بشري تاکید زیادی دارد. در کتاب مذکور می نویسد که باید در مدینه همه کار کنند و افراد بیکار باید از انجا خارج شوند حتی اگر معلول باشند. وی افراد مدینه را بر سه گروه مدبران، صنعتگران و نظامیان تقسیم می کند. و هدف مدینه را سعادت دنیوی و اخروی می داند(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۴-۳۰۷). وی خانواده را از ارکان اصلی مدینه برمی شمارد^{۱۰}، لذا با طلاق مخالف است ولی در شرایط سخت آن را می پذیرد. وی با تعدد زوجه موافق است ولی با تعدد زوج مخالف است و آن را از مضرات مدینه می داند(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲۷-۳۲۸).

عامل وجود قانون: شیخ معتقد است هر مدینه ای بدون توجه به جمعیتش نیاز مند قانون و مقررات ویژه است. نهادهای قانون گذاری مهمترین نهادهای مدینه هستند. لذا یکی از ضروریات مدینه این است که مشاوران ویژه و ای را که به فن خطابه مسلط بوده و بر موضوع سنن و قوانین کاملاً آشنا باشند، برای مدینه انتخاب شوند(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۹). شیخ معتقد است در مدینه حوزه خصوصی و عمومی زندگی افراد باید از هم جدا شود و قانون گذار حق دخالت در حوزه خصوصی افراد مدینه را ندارد. وی معتقد است عبادت در حوزه عمومی قرار می گیرد و باید در جامعه اجرا شود ولی نیاید در آن سخت گرفت(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۰۹-۳۲۰).

عامل اقتصادی: وی افراد مدینه را بر سه گروه مدبران، صنعتگران و نظامیان تقسیم می کند. مدبران شامل: سیاسیون، مدیران، عالمان و صلحبان اندیشه می شوند. صنعتگران شامل کشاورزان، بازرگانان و پیشه وران می شوند. و نظامیان شامل پلیس، مرزبانان و ... می شوند. وی به اشتغال در مدینه اهمیت زیادی می نهد و درآمدی که از راه کسب و کار نباشد را نامشروع می داند. شیخ معتقد است: معاملات وجاری و مهم مدینه باید تحت نظارت امام و حاکم مدینه باشد تا صحت آن مورد تایید قرار گیرد(قادری، ۱۳۷۸، ۱۶۰).

تفکرات سیاسی ابن سینا (انواع مدن)

ابن سینا در مقاله دهم الهیات شفا درباره انواع مدینه ها سخن گفته است. و از شش مدینه وحدانی، کرامت، فکریه، دموکراسی، سقراطی و عادله سخن گفته است که در زیر به آنها اشاره می کنیم:

۱- مدینه وحدانی: این اصطلاح از ریشه واحد به معنی تک است و از ابداعات خود ابن سینا است. «سیاست وحدانی آنست که سائنس در امور مدینه به مشارکت دیگران به هیچ وجه راضی نباشد و تن ندهد.»(ابن سینا، مدخل، ۴، ۶۲). این مدینه در زمرة مدینه های غلبه است که آن نیز در زمرة مدائی رده است. هدف این مدینه به برگی واداشتن مردم است. در ادبیات سیاسی امروز از آن با عنوان حکومت خودکامه یاد می کنند.

۲- مدینه کرامت: در این نوع حکومت رئیس مدینه مصالح مردم را رعایت می کند نه بخاطر عوض مادی خاص، بلکه صرفاً برای این که آنان در تکریم و تعظیم وی بکوشند. غایت این حکومت حفظ کرامت، عزت و نگهبانی از آنها است. در ادبیات سیاسی امروز از آن با عنوان حکومت ناسونالیستی یاد می کنند زیرا عزت و افتخار قومی از همه چیز با ارزش تر است. این نوع حکومت آمادگی تبدیل شدن به حکومت تغلیبی را دارد. فارابی در این زمینه می گوید: مردم این مدینه مداری دیگر به جز خود را جاهمل، خود را مدینه فاضله می دانند.

۳- مدینه فکریه: این اصطلاح همانند اصطلاح مدینه وحدانی از ابداعات ابن سینا است. در این نظام: «پیشوا ثروتمند باشد و ریاست، رهبری و تدبیر امور دیگران به خاطر ثروتش به دست بیاورد، اما بدون آنکه جنبه غلبه و اعمال زور داشته

^۹ مدینه در اندیشه این سینا به سرزمینی با افراد حاصل که حاکمیت یک دولت را قبول کرده اند، اطلاق می شود. و معادل پلیس در فلسفه یونان است.

^{۱۰} بر اساس اسناد موجود شیخ تا آخر عمر از دواج نکرد.

باشد.»(ابن سینا، مدخل، ۶۲، ۴). وی از این مدینه، با عنوان مدینه خست و مدینه قلت نیز یاد می کند. ابوالفضل شکوری می نویسد: شاید استفاده واژه فکریه به دلیل آن است که حاکم بدون استفاده از زور و با تفکر و خرج مال به این مقام رسیده است(شکوری، ۱۳۸۴، ۳۲۷).

-۴- مدینه دموکراسی: یا مدینه حریت مدینه است که: حکومت و حاکم از طریق اتفاق نظر و اجماع احاد مردم و رای آنان به وجود می آید. در این مدینه همه افراد در برابر قانون باهم مساویند و از حقوق و کرامت یکسانی بهره می برند. در این نظام سیاسی کسی نمی تواند بدون اتفاق اراء بدون مردم به مقام ریاست بررسد و هر وقت آنها بخواهند می توانند حاکم را عوض کنند. هدفنهایی این مدینه رسیدن به آزادی است. این نوع حکومت قبل تبدیل به حکومت قلت(حاکم اگر سهل گیر باشد) و غلبه(حاکم اگر سخت گیر باشد) را دارد.

-۵- مدینه سقراطی: ای نوع حکومت خود به نظام سیاسی خیر و نظام سیاسی ملک تقسیم می شود که هر دو نظامی الهی محسوب می شوند و این نوع نظام از سقراط به بعد مد نظر کلیه فیلسوفان بوده است. مدینه خیر بر دو نوع است: در حالت نخست یک فرد فاضل در راس امور استو قصد به سعادت رساندن مردم مدینه را دارد، لذا نظام سیاسی آنان سیاست خیر است. در حالت دوم: جمعی از افراد که هر کدام واحد یک فضیلت هستند ولی هیچ یک به تنها یکی کلیه فضایل را ندارند، حکومت شورایی مدینه را در دست دارند، لذا نظام سیاسی آنان سیاست اخیار نامیده می شود.

نتیجه گیری

یک ویژگی مثبت ابن سینا استفاده از فلسفه ایرانی با همان حکمت مشرقیه است و گشودن راهی که بعدها شیخ اشراف سهپوری آن را ادامه داد و به درجات والا رساند اما همین مسئله می تواند نقطه ضعف وی نیز باشد زیرا شیخ الرئیس می توانست فلسفه ایرانی اشراف را بسط دهد وی به دنبال فلسفه مشائی رفت. ابن سینا در نظام های فکریه یا خست و کرامت به کنترل درونی و فردی معتقد است و در نظام دموکراسی به کنترل بیرونی و جمعی اعتقاد دارد. همانطور که مشاهده کردیم، برای فهم اندیشه سیاسی این سینا تامس با نظریه اسپریگنر و چهار مرحله اش در مقایسه ابن سینا موارد زیر به دست می آید:

۱- احساس درد یا بحران: ابن سینا از تفرق اراء درباره نو حکومت احساس خطر می کند - مصاديقش را در فصل دوم و

نزاع بین خلیفه و حکام محلی و اختلافات شیعه و سنی آوردیم.

۲- ریشه یابی مشکل: ابن سینا ریشه مشکلات را در نالمنی می بیند. وی برای کسب امنیت و آرامش همواره در سفر و فرار از دست سلطان محمود بوده است.

۳- راه حل: براساس کتاب فلسفه سیاسی ابن سینا، شیخ راه حل را در یک پارچگی سیاسی می دید و می خواست با در هم امیزی شیوه های حکومت داری به یک شیوه حکومت واحد دست یابد.

آرمان: هدف غایی شیخ رسدن همه افراد به سعادت و خیر جمعی، دنیوی و اخروی بوده است.

منابع و مراجع

- ابن سینا، الشفاء- المنطق، مدخل، ۴.
- اسپریگنر توماس (۱۳۷۰)، فهم نظریه سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگام.
- تقی محمد ناصر (۱۳۸۴)، دوام اندیشه سیاسی در ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- شکوری ابوالفضل (۱۳۸۴)، فلسفه سیاسی ابن سینا و تاثیر آن بر ادوار بعدی، تهران: انتشارات عقل سرخ.
- طباطبایی جواد (۱۳۹۳)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: نشر کویر، چاپ ۱۱.
- طباطبایی جواد (۱۳۹۴)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: نشر کویر، چاپ ۱۰.
- قادری حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.
- کالوم جرادلی مک (۱۳۸۳)، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، قم: موسسه فرهنگی طه.